

پژوهندگان

در این شماره خواهید خواند:

۳ قطره خون بر چهره دانشگاه

دانشجو دانش کو؟

استکبار علمی

از جنگی که بود تا جنگی که هست

و ...



نشریه

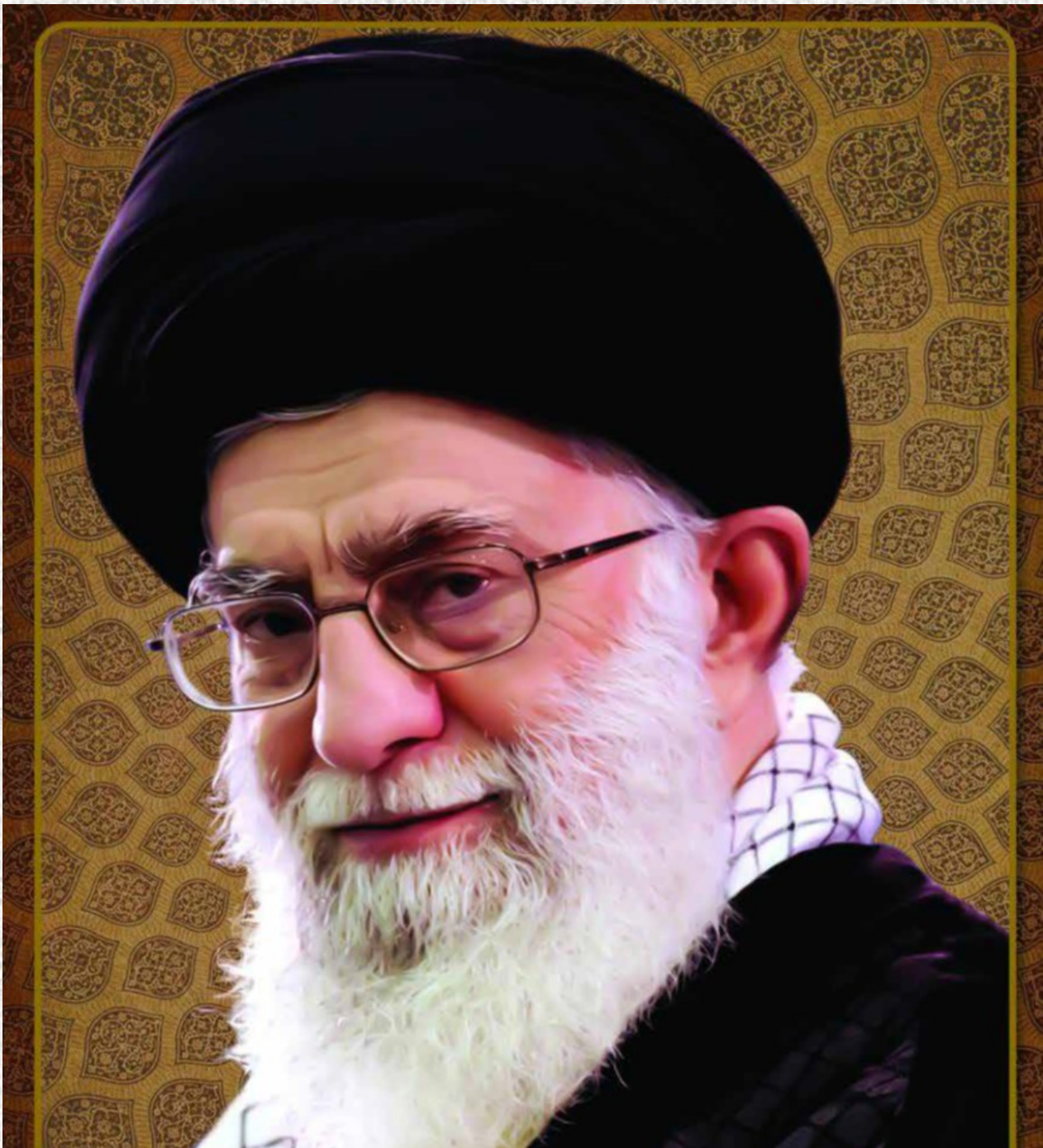
شماره ۲ / آذر ۱۴۰۰

پژوهندگان

طرح جلد: احمد رضا عمرانی

نشریه  
دانشجو

آذر  
۱۴۰۰



جنبش دانشجویی در کشور ما در تاریخ ثبت شده و شناخته شده  
ی خود همیشه ضد استکبار، ضد سلطه، ضد استبداد،  
ضد اختناق و به شدت عدالت خواه بوده است.

### نشریه پژوهندگان

صاحب امتیاز: پایگاه شهید چمران

صفحه آرا: احمد رضا عمرانی

هیئت تحریریه: محمد امین محمدی — محمد حسن قاسمی — احمد رضا عمرانی

ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

سر دبیر: احمد رضا عمرانی

شماره دوم / پاییز ۱۴۰۰

مدیر مسئول: احمد رضا عمرانی

طراح لوگو: محمد حسن قاسمی

# فهرست



با لمس هر موضوع به آن مطلب هدایت می شوید .

۱

مقدمه

۲

۳ قطره خون بر چهره دانشگاه

۳

پای درس امام

۴

دانشجو دانش کو؟!

۵

استکبار علمی

۶

جوک های بی مزه دانشجویی

۷

آن لاین

۸

شهادت برای چه افقی جنگیدند؟

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذك جعلنا من المتمسكين بولايته على ابن ابي طالب و اولاده المعصومين صلوا الله عليهم اجمعين

۱۶ آذریک رویداد تاریخی انقلابی است که یادآور شجاعت های بی بدیل دانشجویان این سرزمین است؛ دانشجویانی که با مشت هایی آمیخته از شور و دانش، عدالت خواهیشان را فریاد زدند.

در طول تاریخ همواره شاهد بیم ها و امیدهای این قشر نجیب بوده ایم.

قشری که ادامه دهنده ی راه اندیشمندان پارسی زبان بوده و افتخاراتشان از آسمان هفتم عبور

کرده و آوازه ی جهانیان گردیده است.

دانشجو آمده است تا جهل و ناتوانی هارا کنار بزند و با کیان علم بی پایانش، سعادت و آبادانی

را به منصفه ی ظهور بگذارد..

از گذشته تا به الان نظاره گر معضلات و جنبش های دانشجویی بوده ایم؛ از کنکاش عدالت در میان

مونوکراسی ظالمانه تا جدال میان حق و باطل. اگرچه در راه مطالبه گری دانشجویی خون های زیادی

بر زمین جاری شده است، اما ادامه دهندگان این راه، با خون خواهران و برادرانشان مشق عشق و

معرفت را از سر می نویسند.

جامعه ی دانشجویی ثابت کرده است که از چنان اراده و معرفتی برخوردار است که هیچ مانعی نمی

تواند او را از مسیر مطالبه گری خویش خارج کند. این قشر همواره سعی کرده است خود را از فضای

ماتریالیستی جهان فیزیکی خارج کند تا بتواند به آرمان های ایدئالیسم خود نزدیک شود.

هیچ گاه در طول تاریخ بحران ها نتوانسه اند مانع از علم طلبی و رشد و شکوفایی این قشر فرهیخته

جامعه بشوند؛ حتی در این برهه ی زمانی هم که و بروس تاجدار دانشگاه هارا به تعطیلی کشانده

است، شاهد آن هستیم که چگونه پرچم داران علم و دانش در جهت رسیدن به آرمان هایشان

در تلاش هستند.

بنابرسالتی که شما مخاطبین گرانقدر ما را شایسته آن دانسته اید سعی کرده ایم در نشریه

”پژوهندگان“ به بررسی مسائل و معضلات دانشجویی و همچنین دیگر مسائل اجتماعی و فرهنگی

بپردازیم. امید آن است که در این راه موفق باشیم.

احمد رضا عمرانے

سردبیر نشریه پژوهندگان

## ۳ قطره خون بر چهره دانشگاه

رژیم شاه که توانسته بود با کمک اربابان بر اریکه قدرت باز گردد، درصدد برآمد تا پایه های حکومت خود را تثبیت کند.

۱۶ آبان همان سال بود که کابینه زاهدی و دولت انگلستان برای تجدید روابط ایران و انگلستان که در جریان ملی سازی نفت قطع شده بود، مخفیانه شروع به مذاکرات کردند. در تاریخ ۲۴ آبان اعلام شد که نیکسون معاون رئیس جمهور آمریکا راهی ایران می شود تا نتیجه سرمایه گذاری بیست و یک میلیون دلاری سیا را که در راه کودتا و سرنگونی دولت مصدق هزینه کرده بود، از نزدیک مشاهده کند.

دانشجویان مبارز دانشگاه نیز تصمیم گرفتند که هنگام ورود نیکسون، نفرت و انزجار خود را به دستگاه کودتا نشان دهند.

دو روز قبل از آن واقعه تلخ (۱۴ آذر) زاهدی تجدید رابطه با انگلستان را رسماً اعلام کرد و قرار شد که دنیس رایت، کاردار سفارت انگلستان، چند روز بعد به ایران بیاید. از همان روز ۱۴ آذر تظاهراتی در گوشه و کنار به وقوع پیوست که در نتیجه در بازار و

دانشگاه عده ای دستگیر شدند.

این وضعیت در روز ۱۵ آذر هم ادامه داشت و این شرایط وقوع تظاهرات هنگام ورود نیکسون حتمی مینمود. رژیم شاه برای مسلط شدن بر اوضاع و حفظ سلامت سفر نیکسون نیروهای نظامی خود را در دانشگاه مستقر کرد؛ این اتفاقات که توأم با دادگاهی شدن محمد مصدق و علی شایگان و احمد رضوی بود، عملاً فضای جامعه و دانشگاه را ملتهب کرده بود و رژیم را با تمام قوا متوجه دانشگاه کرد.

روز ۱۵ آذر تظاهرات به خارج از دانشگاه کشیده شد و مأموران انتظامی، در زد و خورد با دانشجویان، شماری را مجروح و گروهی را دستگیر و زندانی کردند.

صبح روز ۱۶ آذر ۱۳۳۲، گارد برای اولین بار وارد صحن دانشگاه شد تا فریاد مخالفان را در گلو خفه کند.

در یکی از کلاسهای درس دانشکده فنی، چند تن از دانشجویان در اعتراض به حضور مأموران گارد، آنها را به مسخره می گیرند و مأموران گارد با حمله به دانشجویان بی پناه، سه تن از آنان را به شهادت میرسانند. فردای آن روز در جو خفقان و وحشت، نیکسون به دانشگاه تهران می آید و از دست قاتلان دکترای حقوق دریافت می کند!

شهید چمران در رابطه با حادثه ۱۶ آذر می گوید:

وقایع آن روز چنان در نظرم مجسم است که گویی همه را به چشم می بینم. صدای رگبار مسلسل در گوشم طنین می اندازد، سکوت موحش بعد از رگبار بدنم را می لرزاند، آه بلند و ناله جان گداز مجروحین را در میان این سکوت دردناک می شنوم. دانشکده فنی خون آلود را در آن روز و روزهای بعد به رأی العین میبینم...

## خواندن این متن ۳ دقیقه زمان می برد...

روز مبارزه با دخالت بیگانگان  
و مبارزه با استعمار جهانی



شاید این جمله بهترین گواه تاریخ باشد از آنچه آن ها از یک دانشگاه جهان سومی می خواهند .

و اما چرا واقعه ۱۶ آذر این چنین فراموش نشدنی در تاریخ باقی ماند؟ این شجاعت جوانان دانشجوی آن روز که با دست خالی و تنها با حنجره های حق طلب میخواستند خودشان برای کشورشان تصمیم گیرنده باشند نه امریکا و انگلیس، قطعا به هر مبارزی روح و انگیزه میبخشد، بنظر شما آیا هستند کسانی که امروزه میخواهند این روحیه و جسارت را دانشجو بگیرند و تنها کالبدی بی جان از واقعه ۱۶ آذر باقی بگذارند؟!

آیا ترس و محافظه کاری قتلگه انقلابی گری دانشجو نیست؟

احمد رضا عمرانی

دانشجوی کارشناسی میکروبیولوژی



نیکسون معاون رئیس جمهور آمریکا به ایران می آمد تا نتیجه بیست و یک ملیون دلار خرج کودتا را ببیند.

دکتر شریعتی در این باره میگوید :

” اگر اجباری که به زنده ماندن دارم

نبود، خود را در برابر دانشگاه آتش می

زدم، همان جایی که بیست و دو سال

پیش در آتش بیداد سوخت، او را در

پیش پای نیکسون قربانی کردند ! این

سه یار دبستانی که هنوز مدرسه را

ترک نگفته اند، هنوز از تحصیلشان

فراغت نیافته اند، نخواستند - همچون

دیگران کوبن نانی بگیرند و از پشت

میز دانشگاه، به پشت پاچال بازار بروند

و سر در آخور خویش فرو برند.

از آن سال، چندین دوره آمدند و

کارشان را تمام کردند و رفتند، اما این

سه تن ماندند تا هر که را می آید،

بیاموزند، هر که را می رود، سفارش

کنند. آنها هرگز نمیروند، همیشه

خواهند ماند، آنها شهیدند. این سه

قطره خون که بر چهره ی دانشگاه ما،

همچنان تازه و گرم است.

کاش که می توانستم این سه آذر

اهورائی را با تن خاکستر شده ام

بیوشانم، تا در این سموم که می وزد،

نفسرند! اما نه، باید زنده بمانم و این

سه آتش را در سینه نگاه دارم.“

نویسنده ای نیز در مطلبی می نویسد:

” آقای نیکسون!

وجود شما آنقدر گرمی و عزیز بود که

در قدوم شما سه نفر از بهترین جوانان

این کشور یعنی دانشجویان دانشگاه را

قربانی کردند.

## پای درس امام (ره) — فودبوری از رموز موفقیت

امام (ره) همواره تاکید می کردند اگر جوان خود را باور داشته باشد به تمامی خواسته ها و آرزوهای خود می رسد و در همین رابطه توصیه می کردند جوان های ما اثبات کردند که می توانند خودشان عمل بکنند و شما مطمئن باشید که در درازمدت، شما همه کار می توانید بکنید. همان طوری که با شجاعت، ابرقدرت ها را خارج کردید، با شجاعت در فرهنگ خودتان کار بکنید و در کارهای خودتان، خودتان عمل بکنید و اتکای خودتان را هر روز به خارج کم بکنید و یک وقتی برسد که هیچ اتکا به خارج، ما نداشته باشیم و همه چیز را خودمان تهیه کنیم.

## دانشجو، دانش کو؟!

واقعیت امر این است که اگر بخواهیم درباره ی زندگی درویشانه ی دانشجو صحبت کنیم به تکرار مکررات کلیشه هابرخورد می کنیم و من باب همین است که حرفی از دانشجو جماعت در این دوره ی شعارها و ادعاهای حضرات مسئول خریدار ندارد جز در برهه های خاص مثل روز دانشجو یا ایامی با حال و هوای سیاسی! اما تجربه ثابت کرده است که اهمیت ندادن به سیستم آموزشی و زیر مجموعه ی آن (که این جا منظور مای دانشجوست) باعث پسرفت جامعه خواهد شد. یکی از جامع ترین و اساسی ترین نقدهای جامعه ما به آموزش منجر به پرورش است. آموزشی که صرفا دانشجویان را درگیر تئوری ها کند و آنها را از مسایل جامعه دور کند، همواره نتیجه ی عکس حاصل میشود و به جای تربیت افراد متعهد و مستعد لشگری از جماعت بی هنر و بیکار را وارد لایه های مختلف جامعه میکند. مشغله های دانشجویی-که خود طوماری از دردها و رمانی از نانوشته هاست-یکی از موانع اصلی آموزش عالی دانشجویان

است.

همین که پا به دانشگاه بگذاریم رگباری از دغدغه های کاذب را حس میکنیم که درواقع دانشجو را از هدف اصلی دور میکند.



این مسائل وقت گیر(مثل مسائل مالی ومشکلات خوابگاه ها و..) که بازوی توانای جامعه را درگیر مسائل حاشیه ای میکند در سطح کلان جایگاه های حساسی مثل جایگاه های مدیریتی را نیز تحت تاثیر قرار می دهد، زیرا از بین همین دانشجویان است که در آینده مدیر و مسول بیرون می آید که ان شاا... قرار است این چهار دیواری گربه ای شکل را آباد کنند! جالب است گاهی برای نقد سیستم آموزشی ایران با ژاپن مقایسه می شود! ژاپنی که بخاطر سیستم های آموزشی منظم و ساختارهای اجتماعی هماهنگ با آن باعث پیشرفت چشمگیر این کشور در آسیای شرقی شده است.

ولی چرا راه دور برویم؟!

همین هندوستان که ۸۵ درصد مردم آن بعد از استقلال این کشور بیسواد بوده اند چه کرده اند که الان رتبه ی دوم آموزش و پرورش در جهان و چهارمین قدرت اقتصادی را دارا هستند؟؟؟ بی شک پارامترهایی مانند اهمیت دادن به کیفیت آموزشی(بجای کمیت زمانی آن) و اصلاح دوره های آموزشی از ابتدایی تا آموزش عالی از اصلی ترین عوامل این پیشرفت به حساب می آیند.

یکی از جامع ترین و اساسی ترین نقدهای جامعه ما به آموزش منجر به پرورش است. آموزشی که صرفا دانشجویان را درگیر تئوری ها کند و آن ها را از مسایل جامعه دور کند، همواره نتیجه ی عکس حاصل میشود و به جای تربیت افراد متعهد و مستعد لشگری از جماعت بی هنر و بیکار را وارد لایه های مختلف جامعه می کند.

ناگفته پیداست که اهتمام ورزیدن به مساله آموزش و دانشجو در هر جامعه ای میتواند در ابعاد سیاسی فرهنگی و اقتصادی آن مثمرالثمر باشد اما کو گوش شنوا و کو دانش جو و دانش کو؟!؟!

محمدحسن قاسمی  
دانشجوی کارشناسی ارشد میکروبیولوژی

## استکبار علمی

از اینجا شروع شد! علاقه ی عجیبی به حل مسئله داشتیم. شاید ساعت ها به یک مسئله فکر می کردم تا جواب را پیدا کنم. اما عمر خلاقیت کوتاه بود.

با اختراع حل المسائل، نه بگویم کشف! دیگر زحمت فکر کردن عبث بود.

حل المسائل آغاز مرگ خلاقیت بود. در ابتدا گمان می کردم حل المسائل برای مسائل فنی و مهندسی ارائه شده است و خیل کثیری از دعای خیر پشت آن هست. اما نه!

مشکل ریشه دارتر بود! حل المسائل برای تمام زندگی من ارائه شده بود. اینکه ۱۲ سال دانش آموز باشم، دیپلم بگیرم، لیسانس و بعدازآن تحصیلات عالی داشته باشم؛ اما این ها حل مسئله ی واقعی زندگی من نبود...

حل المسائل اینگونه زندگی را برایم ترسیم کرد. بماند که فقط یک بخش از تأثیرش در زندگی ام را برایتان نوشتم.

استعمار نوین کلیدواژه ای شده که نوید پاسخ مسئله ام را می داد! اما استعمار نوین چه بود؟

استعمار نوین استعمار مغزهاست؛ در پدیده ی استعمار نوین قبل از اینکه به شما فرصت فکر کردن بدهند حل المسائل را در اختیاران می گذارند و

به همین سادگی شما باورتان میشود تنها مسیر حل، همانی است که حل المسائل به شما ارائه کرده است و دیگر توانایی فکر کردن ندارید. آری حل المسائل ها اینگونه سبب مرگ خلاقیت می شوند.

اما این همه ی پاسخ مسئله ی من نیست. استعمار علم کلیدواژه ی جدیدی برای پاسخ به سؤال هست؛ علم ما در دریای استعمار غرق شده است. از کارافتادن چرخه ی تولید دانش هسته ای و فضایی، شهدای هسته ای، زندانی شدن دانشمندان به جرم دسترسی به منابع علمی خاص! ملموس ترین بخش استعمار بوده است.

آخرین نمونه ی آن هم دکتر سلیمانی بود. دکتری فعال در عرصه سلول های بنیادی و زندانی در آمریکا.

اما همه ی این ها خشونت آشکار نظام سلطه در مورد استعمار علم است.

در مقابل استعمار علم پرچم اعتراض به آپارتاید علمی بالارفته بود؛ اما



اعتراض به آپارتاید فقط اعتراض به خشونت آشکار استعمار علم بود. آپارتاید یکی از صور وحشیانه ی تبعیض نژادی است که در آفریقای جنوبی علیه سیاه پوستان و به نفع اقلیت سفیدپوست اعمال می شد. در زمان حال کلیدواژه ی آپارتاید علمی از دانشگاه های آفریقای جنوبی آغاز گردیده است. اما اعتراض به آپارتاید علمی تنها مقصود ما از طرح مسئله نیست.

اما خشونت پنهان استعمار علم چیست؟

نهایت دانش مهندسی به اجرای لایسنس های مورد تأیید شرکت های غربی که ۵۰ سال پیش خریداری شده بود می رسد، یک مهندس مجبور هست از حل المسائل غربی استفاده کند و جالب آنجاست که با تحریم همه ی لایسنس ها دسترسی به حل المسائل هم محدود می شود. متأسفانه ابداع رو شهای نوین هم محکوم به شکست است چراکه برای صادر کردن کالا حتی به کشورهای دوست و همسایه باید تأیید استاندارد



## \*\* بوک های بی مزه دانشجویی \*\*

- چهارتا از مهم ترین دست آوردهای دانشگاه:
- اس ام اس دادن بدون نگاه کردن به موبایل
- خوابیدن در حالت نگاه کردن به کتاب
- کار گروهی در هنگام امتحان
- حرف زدن بدون تگون خوردن لب

\*\*\*\*\*

بیایااا دوری کنیم از درس  
بیایااا مشروط بشیم کم کم  
بیایااا با درس تو بدتر شوووووو  
بیایااا این ترم تو رد شوووو  
رد شوووو  
بین گاهی یه وقتایی دلت میگیره از استاد  
نه میخوابم نه بیدارم  
از این نمرات من پیداست

\*\*\*\*\*

هروقت تونستی با تقلب نمره خوب بگیری به  
خودت افتخار کن  
با خرخونی که همه میتونن ۲۰ شن ...

\*\*\*\*\*

### روز بیکاران آینده مبارک!



شرکت های غربی را داشته باشیم و این نهایت خشونت پنهان است.

شما مجبور به پذیرش استانداردها هستید و محکوم به شکست در خلاقیت!

در نتیجه اقتصاد شما وابسته به علم مستعمره است و خوب میدانیم که علم مستعمره، مدخل استعمار اقتصادی و فرهنگی و... می شود.

انقلاب علمی کلیدواژه ی نهایی راه حل سؤال هست.

کلیدواژه های برای این روزها که پرچم علوم انسانی اسلامی بالا رفته و خیل جمعیت به سمت علوم انسانی گسیل شده اند. اکثر دانشجویان فنی شاید به همین دلیل تغییر رشته می دهند.

با این حال اکنون نیازمند انقلاب و تحول در رشته های فنی و مهندسی هستیم، این انقلاب بر سر تئوری های غرب ستیز و غرب پرست و نهایتاً بر سر تکنولوژی خواهد بود. پس در این سنگر بمانید!

ما باید در علوم نوین قدم بگذاریم حد اعلی این علوم را به دست بگیریم تا مجبور نشویم قله هایی را که نظام سلطه برایمان مشخص می کند بالا رویم!

مشخص است اگر بخواهیم از قله ی تعیین شده ی نظام سلطه بالا برویم، هر وقت بخواهد ما را از قله به زیر می اندازد. آری ضمن محکومیت استعمار علم، باید به دنبال انقلاب علم بود.

احمد رضا عمرانی  
دانشجوی کارشناسی میکروبیولوژی



این روزها اینکه چه زمانی به وضع عادی برمی گردیم سؤال نه تنها قشر دانشجو و دانش آموز بلکه تک تک افراد جامعه است.

حال و هوای این روز ما درست شبیه زندانی است که هر روز به امید خبر خوشی چون عفو و آزادی از خواب بیدار می شود.

ویروسی که با تمام کوچکی اش دنیا بزرگ و پیشرفته را ضربه فنی کرده است و در مدت حضورش خساراتی را

به بار آورده که جبران

آن سال های طولانی

زمان نیاز دارد.

ویروسی که با

حضورش چهره زندگی

همه ی مردم جهان را

تغییر داده و به غیر از

خسارت های اقتصادی

و اجتماعی به جوامع

بشری ، باعث بسیاری

از مشکلات روحی و روانی و جسمی و

در نهایت مرگ هزاران انسان در

سراسر جهان شده است.

در این میان ما قشر دانشجو که

وظیفه کسب علم و دانش و مهارت

جهت به دست گرفتن آینده را به

عهده داریم، در این شرایط بسیار

متضرر شده ایم.

کرونا همچون سونامی بر پیکره فرصت

های علمی جامعه خسارت وارد کرده

است. گر چه مسئولان علمی و

فرهنگی جامعه با مسکن هایی

همچون آموزش مجازی سعی دارند

که قدری از عمق خسارات آن بکاهند.

کشور ما به دلیل نداشتن زیر ساخت

های مناسب آموزش های آنلاین

همچون اینترنت پر سرعت ، عدم

آشنایی و مهارت های لازم اساتید با

این گونه آموزش ها و نیز عادت

همیشگی دانشجویان به برگزاری

کلاس های حضوری و آموزش های

چشم تو چشم اساتید با مشکلات

مضاعفی در این رابطه روبه رو می

باشد.



عدم آشنایی اساتید و دانشجویان با

یکدیگر در کلاس مجازی وهمچنین

فضایی نا آشنا کار را برای ارتباط

هردوطرف که اساتید و دانشجویان

عزیز هستند به مراتب سخت و دشوار

می کند. در ضمن دانشجویان در

چنین شرایطی از مباحثه و تبادل نظر

های مفید و سازنده با دانشجویان

دیگر به علت کوتاه بودن زمان آموزش

بی بهره می مانند.در این وضع

آموزشی گاهی نبود اینترنت ، قطع و

وصل شدن آن یا سرعت پایین آن و

هماهنگ نبودن بعضی اساتید با

چنین مشکلاتی و حرکت آنان به

همان روال آموزش های حضوری

مزید بر علت می شود تا جریان

آموزش آنگونه که باید پیش نرفته و

به مقصد نرسد.

در این روزهای کرونایی ، شاید فراهم

کردن مکانی ساکت و مناسب برای

شرکت مؤثر در کلاس های آنلاین

برای بعضی از دانشجویان، با مشکلاتی

که در برخی از خانواده ها وجود دارد،

کاری سخت و دشوار می باشد و

همین مسئله ، اضطراب اینگونه

دانشجویان را مضاعف می کند.

دانشجو امروز از یک سو نگران

فراهم کردن حداقل امکانات

برای برخورداری از آموزش های

آنلاین ، با همه پستی و بلندی

های آن است؛از طرف دیگر

دچار استرس و نگرانی ناشی از

شیوع ویروس کرونا در جامعه از

خانه تا کوچه و خیابان و...می باشد و

اینکه سرانجام چه خواهد شد؛در

چنین شرایطی که سختی ها از همه

جهات به او فشار می آورند تصور این

مسئله که این گونه آموزش ها نمی

توانند او را برای رسیدن به فردایی که

او باید به عنوان فردی متخصص در

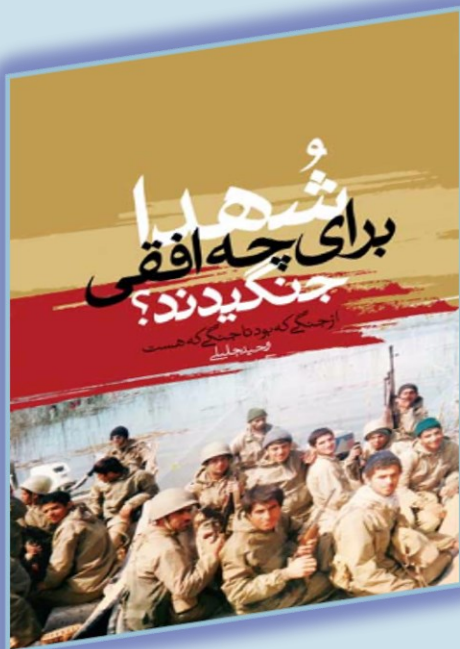
رشته خود فارغ التحصیل شود مهیا

کند برایش بسیار آزار دهنده و نگران

کننده خواهد بود .

## شهدا برای چه افقی جنگیدند؟

کتابی منتشر شده از وحید جلیلی، مدیر دفتر مطالعات جبهه فرهنگی است، کتابی که با نثری ادبی و زیبا و با بیانی انتقادی در پیچه ای نو از آن چه پس از جنگ تحمیلی هشت ساله در جامعه رخ داده را برای مخاطب بازگو می کند.



در بخشی از این کتاب می خوانیم:

” تا آنجا که یادم می آید، شهدا همیشه هم لبخند روی لبشان نبود. آن قدر مست خدا نبودند که فقر و فساد و تبعیض از یادشان برود و آن چنان از خوف خدا غش نکرده بودند که هیچ خوفی بر دل هیچ کس نیندازند.

تا آنجا که یادم هست... راستی چند هزار سال پیش بود؟ تجمل پرست ها از بسیجی ها می ترسیدند. مفسدها و مال مردم خورها و رانتخوارها از بسیجی ها می ترسیدند.

شهدا آدمهای ترسناکی بودند باور کنید به خدا اینقدر دوست داشتنی بودن هم خوب نیست.

باور کنید به خدا امام حسین(ع) هم اینقدر دوست داشتنی نبود. اگر نمی ترسیدند از او که قطعه قطعه اش نمی کردند و اسب بر پیکرش نمی دواندند و آب بر قبرش نمی بستند و در خیمه ها محصورش نمی کردند. به روضه اش رسیدیم.

حالا چه حالی دارد زیارت خواندن برای شهدایی که بعد از رفتن هم شبیه اند به عشقشان.

به حسین(ع) که آن بزرگ گفت: (دو بار شهید شد)  
(الْسَّلَامُ عَلَيكُمْ يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ وَ أَحِبَّائِهِ، اَلْسَّلَامُ عَلَيكُمْ يَا أَصْفِيَاءَ اللَّهِ وَ أَوْدَائِهِ)

در پایان ذکر این نکته را لازم می دانم که با قبول تمام سختی ها و مشکلات این ساعات و ایام قبول و باور دارم که بزرگترین استعداد های بشری از ابتدای سکونت بشر بر این کره خاکی تا امروز، در سختی ها و مشکلات خود را نشان و بروز داده اند که اگر نبود بیماری و رنج ناشی از آن هرگز دارویی ساخته نمی شد و اگر سرما و بیم و ترسی نبود هرگز خانه ای ساخته نمی شد و اگر دوران کرونایی نبود هرگز دانشجویانی ظاهر و بروز پیدا نمی کردند.

خداوند در قرآن کریم در سوره

مبارکه انشراح میفرماید:

فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا

پس بدان که با لطف خدا با هر سختی البته آسانی است. و در عالم با هر

سختی البته آسانی است و هر

رنجی را راحتی می باشد.

پس دوستان عزیز و دانشجویان گرامی

، بیایید ضمن امید به عنایت الهی و

یاری و مدد او با تلاش بیشتر و امید

به آینده ای روشن با مضاعف کردن

تلاشمان در این ایام، آینده ای روشن

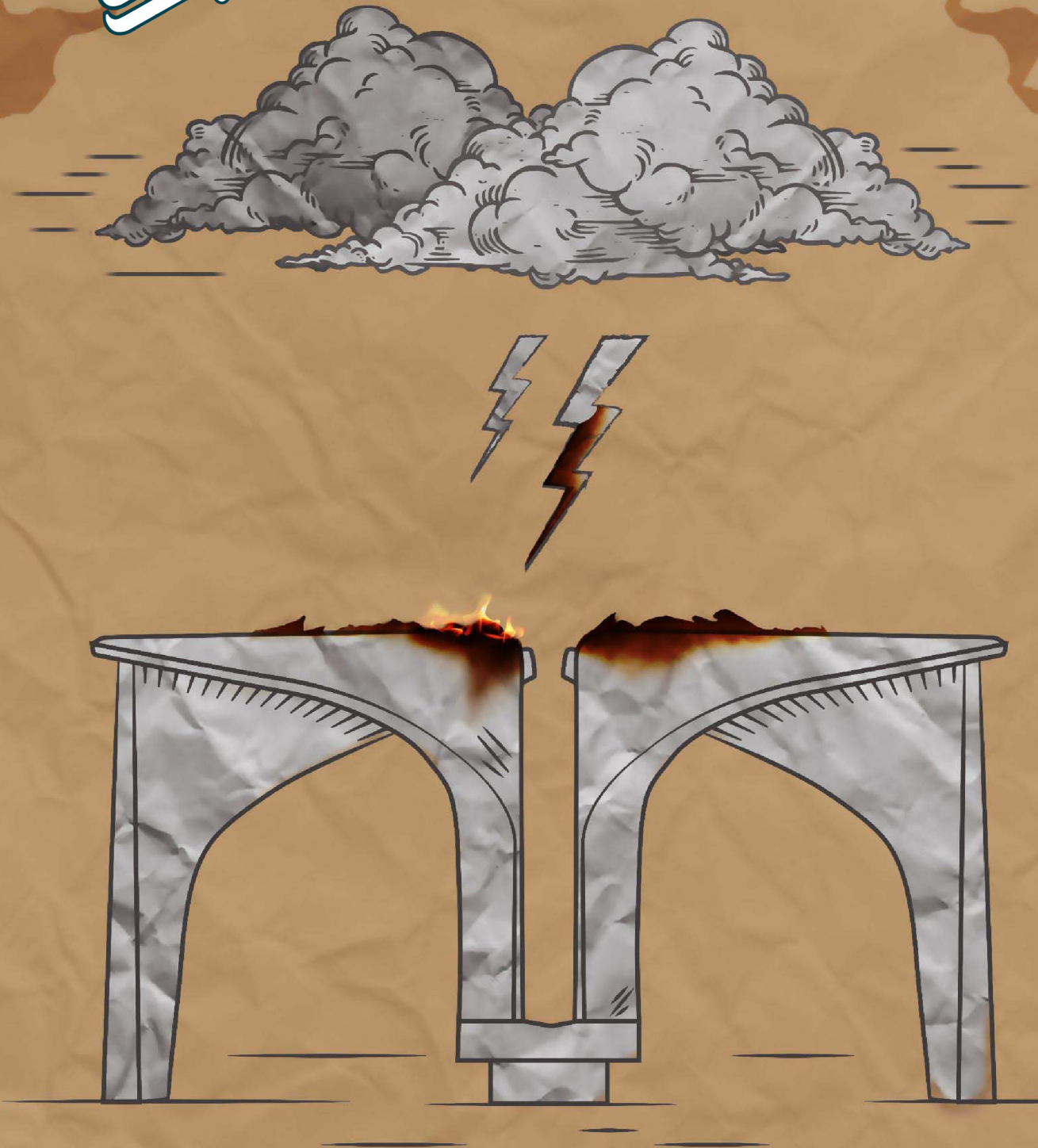
را برای خود و میهن عزیزمان رقم

بزنیم.

محمد امین محمدی

دانشجوی کارشناسی میکروبیولوژی





## آزادی بیان این نیست!

آری، نباید از آزادی ترسید و از مناظره گریخت و نقد و انتقاد را به کالای قاچاق و یا امری تشریفاتی تبدیل کرد؛ چنان که نباید به جای مناظره، به جدال و مرء گرفتار آمد و به جای آزادی، به دام هتاک و مسئولیت گریزی لغزید... آن گاه که نخبگان ما نقطه‌ی تعادل میان هرچ و مرج و دیکتاتوری را شناسایی و تثبیت کنند، دوران جدید آغاز شده است.